

نقش سبک زندگی خانوادگی غرب در کاهش فرزندآوری جامعه ایرانی

دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۷

تایید: ۱۴۰۳/۰۵/۱۸

سمیه صیادی^۱
 الهه ماستری فراهانی^۲
 لیلا حنیفی^۳
 رحیمه اسماعیلی^۴

چکیده

جمعیت، به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر قدرت و سرمایه ملی، تأثیر به‌سزایی در پیشرفت و توسعه اقتصادی، فرهنگی و... کشورها دارد. نتایج بررسی‌های آماری، از روند نزولی نرخ رشد جمعیت در کشورمان و تأثیرگذاری عوامل مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... بر کاهش تمایل خانواده‌های ایرانی به فرزندآوری، حکایت می‌کند. از سوی دیگر، در سال‌های اخیر دسترسی مردم به انواع ابزارهای ارتباطی مانند ماهواره و فضای مجازی، سبب نفوذ فرهنگ غربی در لایه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی آنان شده است. بنابراین، پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌دهی به این سؤال اصلی خواهد بود که «آیا سبک زندگی غربی می‌تواند به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر کاهش فرزندآوری مورد بررسی قرار گیرد؟» این تحقیق با روش توصیفی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، به ارزیابی نقش سبک زندگی غربی در کاهش تمایل جامعه ایرانی به فرزندآوری پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داد، فردگرایی و نفع‌گرایی، لذت‌گرایی و رفاه فردی، مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی، سکولاریسم و تضعیف باورهای دینی، اشتغال زنان، ترویج دیدگاه فمینیسم و تحقیر وظیفه‌ی مادری که از مهم‌ترین شاخصه‌های سبک زندگی غربی قلمداد شده‌اند، تأثیر مستقیمی بر کاهش تمایل به فرزندآوری داشته و با شناخت و مدیریت آسیب‌های ناشی از این سبک زندگی، می‌توان از روند نزولی جمعیت کشور جلوگیری نمود.

واژگان کلیدی: فرزندآوری، کاهش جمعیت، سبک زندگی غربی، فمینیسم.

^۱ دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه‌های علمیه خواهران، عضو هیأت علمی مجتمع آموزش علوم اسلامی کوثر؛

sayadi.kosar@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی رفیعه المصطفی(ص) elahefarahani068@gmail.com

^۳ کارشناسی، مدرسه علمیه حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف hanifileyla20@gmail.com

^۴ کارشناسی، مدرسه علمیه حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف rahimehesmaeili32@gmail.com

مقدمه

کاهش جمعیت و فرزندآوری، از مهم‌ترین بحران‌های پیش روی کشور به شمار می‌رود. این درحالی است که جمعیت، از عناصر قدرت و عاملی مهم در رشد و اعتلای فرهنگ و اقتصاد هر کشور می‌باشد. در همین راستا، مقام معظم رهبری^{دام‌الله} در مناسبت‌ها و دیدارهای مختلف، تصریح و تأکید کرده‌اند:

«کثرت جمعیت جوان، یکی از امتیازات کشور است و در صورت استمرار سیاست‌ها و اقدامات نادرستی که منجر به تحدید نسل و کاهش شدید جمعیت جوان کشور در طول سال‌های آینده خواهد شد، دچار ضربه بسیار بزرگی به نام «سالمندی عمومی» خواهیم شد»^۱.

«یکی از پُرفایده‌ترین ثروت‌های یک کشور، جمعیت جوان در یک کشور است که ما بحمدالله از اوایل انقلاب تا امروز برخوردار بوده‌ایم و اگر بنا باشد بعداً برخوردار نباشیم، یقیناً عقب خواهیم ماند»^۲.

«امروز در دنیا آن کشورهایی که جمعیت‌های زیادی دارند، به برکت آن به خیلی امکانات دست یافته‌اند؛ چین یک نمونه است، هند یک نمونه است؛ با این‌که مشکلاتی هم دارند اما در عین حال خود این جمعیت زیاد به عنوان یک ارزش اجتماعی، ارزش سیاسی، یک ارزش بین‌المللی برای آن‌ها توانسته موفقیت‌هایی را به‌وجود بیاورد»^۳.

به همین سبب، اگر جمعیت کشور به سمت پیری برود و تدابیری برای افزایش نرخ رشد آن اندیشه نگردد، به زودی با مشکلات عدیده‌ای هم‌چون کاهش رونق اقتصادی و نیاز به کار اتباع

^۱. بیانات در دیدار مسئولان جمعیت مامایی کشور، ۱۳۹۳/۲/۱۵.

^۲. بیانات در دیدار نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۴/۲۲.

^۳. بیانات در دیدار جمعی از زوج‌های جوان، ۱۳۹۸/۱/۶.

بیگانه برای تولید، تضعیف اقتدار نظامی و امنیتی و... مواجه خواهیم شد. از سوی دیگر، باید در نظر داشت، فرزندآوری پدیده‌ای صرفاً فردی و منوط به انتخاب شخصی زوجین نیست، بلکه از سوی عوامل متعدد و متنوع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناختی، سیاسی و... تحت تأثیر قرار می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین این عوامل، نفوذ فرهنگ غربی در لایه‌های مختلف زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی زوجین است. اما باید دید، سبک زندگی غربی چگونه می‌تواند با تأثیر بر نگرش زوجین، در کاهش فرزندآوری دخیل باشد؟ لذا هدف کلی از این پژوهش، بررسی نقش و تأثیر سبک زندگی غربی بر کاهش فرزندآوری در جامعه ایرانی و هدف کاربردی آن، استخراج مهم‌ترین شاخصه‌های تأثیرگذار این سبک زندگی در تغییر نگرش زوجین نسبت به فرزندآوری است تا با آشنایی و مدیریت آسیب‌های آن، از روند نزولی جمعیت جلوگیری شود. لذا نتایج این پژوهش می‌تواند برای نهادهایی مانند وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری و ستاد ملی جمعیت، مفید واقع گردد.

سؤالات اصلی و فرعی این پژوهش عبارت‌اند از: نقش «سبک زندگی غربی» بر کاهش فرزندآوری در جامعه چیست؟ و همچنین «لذت‌گرایی و رفاه فردی، مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی، نفع‌گرایی و فردگرایی، اشتغال زنان، ترویج دیدگاه فمینیسم و تحقیر وظیفه‌ی مادری، سکولاریسم و تضعیف باورهای دینی» به‌عنوان مهم‌ترین شاخصه‌های این سبک زندگی، چه تأثیری بر کاهش نرخ رشد جمعیت دارند؟

در پژوهش‌های پیشین، از جمله در «سبک زندگی اسلامی و غربی (مبانی و رویکردها)» (اسکندرلو، ۱۳۹۹)، «نقش سبک زندگی غربی در کاهش فرزندآوری» (صالحان، ۱۴۰۱)، «تأثیر سبک زندگی امروزی زنان بر میزان فرزندآوری؛ مطالعه مورد شهر قزوین» (پروینیان و همکاران، ۱۳۹۷)، «مدرنیته، تغییر سبک زندگی و کاهش جمعیت در ایران» (جوکار، ۱۳۹۳)، «سبک زندگی و تمایلات فرزندآوری» (اکبری، ۱۳۹۵)، انواع سبک‌های زندگی و تأثیر آن‌ها بر تمایل افراد و خانواده‌ها به فرزندآوری بررسی شده؛ اما پژوهش در حوزه سبک زندگی غربی محدودتر بوده و صرفاً تعدادی از شاخصه‌های این سبک مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین، با توجه به اهمیت موضوع فرزندآوری و نقش به‌سزای سبک زندگی غربی بر آن، جای دارد تا به شکل توصیفی نیز بررسی گردد، که در این مجال بدان می‌پردازیم.

۱. مفهوم‌شناسی

در هر پژوهشی، تبیین معنای واژگان کلیدی، اقدامی سودمند، بلکه ضروری محسوب می‌شود؛ بدین جهت، قبل از طرح مباحث اصلی، به تعریف و توضیح معانی واژگان پیش روی می‌پردازیم.

۱.۱. سبک

واژه‌ی سبک در لغت به معنای فلز ذوب‌شده‌ی در قالب ریخته، طرز، شیوه و روش خاصی که شاعر یا نویسنده، ادراک و احساس خود را بیان نموده، آمده است (معین، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۸۲۷). در تعریف لغوی دیگری، سبک، به معنای روش خاص، ادراک، طرز تعبیر و بیان افکار به وسیله‌ی ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ دانسته شده است که ادبای قرن اخیر، آن را مجازاً به معنی «طرز خاصی از نظم و نثر» استعمال کرده و تقریباً در برابر واژه‌ی استایل (Style) اروپاییان نهاده‌اند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۱۳۴۱۲). هم‌چنین در اصطلاح، این واژه را مجموعه‌ای از امور «ذهنی و درونی» نظیر بینش‌ها، گرایش‌ها و «عینی و بیرونی» مانند وضعیت جسمی، فعالیت‌های اقتصادی و موقعیت‌های اجتماعی دانسته‌اند که به ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، مادی و معنوی زندگی انسان مربوط می‌شود (رستمی، ۱۳۹۷، ص ۱۴).

۱.۲. سبک زندگی

تعبیر دو واژه‌ای «سبک زندگی»، بار معنایی ویژه‌ای دارد. برخی صاحب‌نظران در تعریفی، آن را حکایت‌گر مجموعه‌ای از عناصر، ویژگی‌ها و مؤلفه‌ها دانسته‌اند که به گونه‌ای نظام‌مند باهم ارتباط داشته و یک کل را به وجود آورده‌اند (اسکندرلو، ۱۳۹۹، ص ۴). در تعریف دیگری، این تعبیر به مجموعه‌ای از عرصه‌ها، رفتارها و گفتارها در حوزه‌های مختلف فردی، خانوادگی، ملی و بین‌المللی گفته شده که در ابعاد گوناگون عبادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، هنری و... زندگی نهادینه گشته است (محمودی، ۱۳۹۵، ص ۴). «آلفرد آدلر»^۱ دانشمند غربی نیز سبک زندگی را، مشی کلی فرد به منظور رسیدن به اهداف و غلبه بر مشکلات می‌داند. به اعتقاد او،

^۱ . "Alfred Adler" (۱۹۳۷-۱۸۷۰م)؛ پزشک، نویسنده، روان‌درمان‌گر و روان‌شناس بنام اتریشی و بنیان‌گذار مکتب

درخت سبک زندگی، ریشه‌هایی در کودکی دارد که نگرش‌های متعدد فرد را تحت تأثیر قرار داده و تعیین‌کننده‌ی چگونگی به انجام رساندن وظایف زندگی گشته است (کاوایانی، ۱۳۹۲، ص ۸۸).

۱.۳. سبک زندگی غربی

منظور از غرب و سبک زندگی غربی، یعنی روش خاصی که فرهنگ و مبانی زندگی در آن، مادیات، انسان‌محوری، دوری از خدا و آزادی مطلق محسوب شده و اعتقاد به معنویات و زندگی پس از مرگ (معاد) در آن جایگاهی نداشته است (رضایی و مهدوی نیا، ۱۴۰۰، ص ۶). در تعریف دیگری، این سبک زندگی، فرهنگی با مبانی مادی‌گرایی، فردگرایی، اصالت لذت حیوانی و استفاده از عقل ابزاری دانسته شده که در آن، انسان مسخ‌شده، باید جای خدا را گرفته و به صورت موجودی صاحب علم، اراده و قدرت، همه‌چیز را در تصرف و تملک خود درآورد (اسکندرلو، ۱۳۹۹، ص ۵). هم‌چنین آن‌را مجموعه‌ای از سلاقی، ارزش‌ها، هنجارها و طرز تلقی‌ها بر پایه اومانیسیم و انسان‌محوری تعریف کرده‌اند که انسان به‌عنوان عقل کل هستی مطرح می‌گردد و فارغ از سایر محدودیت‌ها از جمله وحی و دین، عمل خواهد کرد (دلدار، ۱۴۰۰، ص ۴).

۱.۴. جمعیت

واژه‌ی جمعیت در لغت به معنای انجمن شدن، گردهم‌آیی و هم‌گروهی است (معین، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۵۲۳). در علم جمعیت‌شناسی، به تجمعی از افراد انسانی گفته می‌شود که در منطقه‌ای (شهر یا روستا) به صورت خانواده یا خانوارها زندگی می‌کنند. از میان فرآیندهای مؤثر بر تغییر جمعیت می‌توان به باروری، مرگ و میر، مهاجرت، ازدواج و وقایع اجتماعی مانند جنگ و انقلاب اشاره نمود. رشد جمعیت نیز تحت تأثیر ورود و خروج افراد به جمعیت است. لذا هر سه عامل مرگ و میر، باروری و مهاجرت، بر میزان رشد جمعیت مؤثر بوده‌اند (پارک، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۶۹).

۱.۵. فرزندآوری

فرزندآوری، از مهم‌ترین مؤلفه‌های علم جمعیت و از جمله موضوعاتی است که در حوزه مسائل اجتماعی، توجه زیادی را به خویش معطوف داشته و به معنای «گرایش و تمایل به داشتن فرزند از نظر اجتماعی و بیولوژیکی در بین خانواده‌ها» تعریف شده است (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۹).

۲. تأثیر شاخصه‌های سبک زندگی غربی بر کاهش فرزندآوری

سبک زندگی هر فرد و جامعه‌ای، از نوع باورها (جهان‌بینی) و ارزش‌های حاکم بر آن‌ها اثرپذیر است و مسلماً سبک زندگی غربی نیز از این مقوله جدا نیست. لذا جهت آشنایی بیشتر با این سبک زندگی، ضمن بیان مهم‌ترین شاخصه‌های آن که بر اساس جهان بینی مادی و غیرالهی شکل گرفته، به بررسی تأثیر این شاخصه‌ها بر کاهش میزان فرزندآوری می‌پردازیم.

۲.۱. تأثیر فردگرایی و نفع‌گرایی بر کاهش فرزندآوری

فرد انگاری حالتی است که فرد، تعلقات اجتماعی و خانوادگی را نخواهد پذیرفت، مگر این‌که به سودش باشد. چنین فردی به تدریج خانواده‌گریز یا خانواده‌ستیز خواهد شد. بنابراین در ابتدای امر، فرد از خانواده گسترده و فامیلی دور شده و به سوی خانواده هسته‌ای آمده و سپس از خانواده هسته‌ای نیز کم‌کم دور شده و به سمت مجرد تمام‌عیار سیر خواهد کرد و همه‌چیز حول منفعت او چرخیده و خیرخواهی اجتماعی و خانوادگی معنا نخواهد داشت (پارسا، ۱۳۹۲، ص ۱۲). در این حالت، سود و منفعت نقش مهمی در زندگی انسان داشته که برحسب آن امکان ندارد، فرد گرسنه باشد و غذایش را به دیگری ببخشد! یا حب دنیا داشته باشد و خود را به کشتن دهد و لذا کارهایی از قبیل انفاق، ایثار و... در این نگاه حماقت محسوب می‌شود و کارهایی که به سود دیگران باشد، معنا نداشته، مگر این‌که بیش از سودی که به دیگری رسیده، به خود شخص برسد (رفیعی، ۱۳۹۱، ص ۷). فردگرایی، نتیجه‌ی تحول خانواده گسترده به خانواده‌ی هسته‌ای و به معنای اولویت قائل شدن برای خواسته‌ها و ارزش‌های فردی به جای ارزش‌های جمعی است (افرا و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۱۹). در سبک زندگی غربی، با تضعیف شدید نظارت خانواده و جامعه بر فرد، تأمین نیازهای فردی بر مصالح خانواده و انتظارات جامعه ترجیح داده شده است. از این‌رو، رشد فزاینده‌ی فردگرایی، صورت نوینی از زندگی خانوادگی را به وجود آورده که در آن، انسان منافع شخصی خود را بر منافع جمعی ترجیح داده و نفع‌گرا گشته است (سرابی، ۱۳۸۷، ص ۴). آن‌چه توانسته توسعه فردگرایی را به مسأله تبدیل نماید، این است که خودمحموری، خودخواهی و طرز تفکر سودگراانه ناشی از عقلانیت ابزاری در خانواده، موجب گشته که سرمایه‌ی انسانی کاهش یافته و خانواده از عهده‌ی قبول و انجام بسیاری از کارکردهای طبیعی باز ماند (چپل، ۱۳۸۸، ص ۲۶). منفعت‌طلبی نیز ریشه در حب ذات داشته و یکی از وسایل پیشرفت امور زندگی بشری است، اما وقتی به دیده‌ی افراطی و به مثابه‌ی یک هدف به آن نگرسته و به جای حق‌گرایی نشانده شود،

ارزش‌های انسانی را تنزل خواهد داد (اسکندرلو، ۱۳۹۹، ص ۱۶). یکی از برجسته‌ترین تغییرات متأثر از فردگرایی و در نتیجه‌ی آن نفع‌گرایی در نهاد خانواده، کاهش اهمیت فرزندآوری و رواج خانواده‌های تک‌فرزند یا بدون فرزند است. فرهنگ مدرنیته از طریق ترویج فردگرایی، شرایطی را به وجود آورده که افراد از لحاظ ذهنی و فرهنگی به سمت توجه بیشتر به نیازها و امیال سوق یافته‌اند تا این‌که زندگی‌شان را صرف فرزندآوری نمایند (افرا و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۴). لذا فرزندآوری برای والدین فردگرا و نفع‌گرا یعنی اهمیت به‌رورزی (خوشبختی) موجودی ضعیف‌تر و وابسته که برخلاف آسایش و راحتی خود فرد است و همواره باید به‌خاطر او، از استقلال ترجیحات خود چشم‌پوشی کرد؛ و از همه دردناک‌تر این‌که فرزندآوری یعنی قبول وابستگی به مدتی نامعلوم و ورود به تعهدی فسخ‌ناپذیر که با سیاست غربی هم‌خوانی نخواهد داشت (باومن، ۱۳۸۴، ص ۸۰). در نتیجه‌ی افول ارزش‌های مرتبط به فرزندآوری و رشد ارزش‌های فردگرایانه و منفعت‌طلبانه بین افراد، جامعه شاهد کاهش باروری و هم‌چنین افول اهمیت فرزندآوری بوده است (چیل، ۱۳۸۸، ص ۱۳۱).

۲.۲. تأثیر مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی بر کاهش فرزندآوری

جامعه‌ی غربی، تحت تأثیر نظام سرمایه‌داری، اداره شده و ذات این نظام مبتنی بر سودآوری و مصرف‌گرایی است؛ لذا ذائقه‌های مردم در خصوص مصرف کالاها مدام تغییر می‌کند. به عبارت دیگر، مصرف‌گرایی بی‌رویه، نه از نیازهای واقعی مردم، بلکه از احتیاجات کاذبی ناشی می‌شود که به صورت‌های مختلف بر آنان تحمیل شده است. در جوامع تحت سلطه روح سرمایه‌داری، میل و هوس، بیشتر تظاهر بیرونی یافته و بحث نیاز واقعی کمتر نمود پیدا می‌کند. این تغییر دائمی نشان می‌دهد، گرایش به مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی، ریشه در وجود افراد نداشته، بلکه بیشتر تحت تأثیر فشارهای بیرونی ایجاد گشته است (صادقی، ۱۳۹۶، ص ۳). به عبارت دیگر، نگاه سودجویانه و منفعت‌طلبانه‌ی غرب به زندگی، باعث روی‌آوری به مصرف‌گرایی و تنوع‌طلبی شدید گردیده است؛ به‌گونه‌ای که افزایش مصرف، باعث تولید انبوه و تولید فراوان نیز راهکاری برای حداکثرسازی سود محسوب می‌شود. لذا تولیدکنندگان برای دستیابی به سود بیشتر، از طریق اشاعه نیازهای کاذب، تبلیغات گسترده در وسایل ارتباط جمعی و حراج‌های متعدد، به ترویج مصرف‌گرایی می‌پردازند و در نتیجه، انسان غربی بدون نیاز واقعی، مشغول خرید گشته و در واقع، این مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی، به سبک زندگی آنان جهت داده است (منگالی، ۱۳۹۶، ص ۹). مصرف‌گرایی، نوعی

ایدئولوژی نمودیافته در قالب رفتارهای مسرفانه است؛ با این مدعا که خوشبختی دنیوی، چیزی جز قدرت و امکان بهره‌برداری پیاپی از کالاها و خدمات متنوع و ارضاکنده نیست (شرف‌الدین، ۱۳۹۴، ص ۵). امروزه مصرف‌گرایی بخشی از هویت اجتماعی انسان مدرن را شکل داده است؛ به‌گونه‌ای که خانواده‌های جدید با میزان مصرف، هویت‌سازی و هویت‌نمایی شده‌اند. در مصرف‌گرایی نوین، با بالا رفتن معیارهای زندگی، افراد توجهی به قدرت خرید خود نکرده و حتی کسانی که نتوانسته‌اند به ثروت مناسبی دست یابند نیز، از خریدهای اسراف‌گونه استقبال کرده‌اند (عیوضی، ۱۳۸۸، ص ۱۳). روشن است که در چنین فضایی، با فراگیری سبک زندگی مصرفی، برای پذیرش فرزندان بیشتر - که مصرف دیگر اعضای خانواده را در تنگنا قرار خواهند داد-، جای کمتری باقی مانده است. افزون بر این، در چنین شرایطی، فرزندآوری هرچه بیشتر، به احساس محرومیت خانواده‌هایی دامن خواهد زد که نتوانسته‌اند در آوردگاه مصرف، به ایفای نقش پردازند (چراغی، ۱۴۰۰، ص ۱۷). لذا از آن‌جا که یکی از اهداف و ویژگی‌های دوران جدید، مصرف‌گرایی و افزایش لذت از زندگی است، این هدف، اغلب از خلال فرزندآوری کمتر مدنظر قرار گرفته و زمینه‌ساز کاهش باروری شده است (سیدمیرزایی، ۱۳۷۷، ص ۷). تجمل‌گرایی نیز به معنای میل، رغبت و علاقه‌ی افراطی به تجملات و توجه به ظواهر زندگی تعریف شده (فصیحی‌زاده و برجی‌نژاد، ۱۴۰۰، ص ۲) و از دید جامعه‌شناسان، تأثیرگذاری آن بر جمعیت خانواده در سه بُعد قابل بررسی است؛ در بعد اول، تجمل‌گرایی موجب نفوذ روح اشرافی‌گری در جامعه و فاصله‌گیری از ساده‌زیستی گشته که سطح توقعات هریک از افراد آماده‌ی ازدواج و خانواده‌های آن‌ها از خود و طرف مقابل را بالا برده و در نتیجه، با مادی‌گرایی و سخت‌گیری در تعیین معیارها و شرایط، باعث کاهش آمار ازدواج، بالارفتن سن تجرد، افزایش آمار فسادهای اخلاقی و فرزندان بی‌سرپرست در جامعه و در نهایت، کاهش جمعیت شده است (حیدری، ۱۳۹۲، ص ۴). در بُعد دوم، تجمل‌گرایی سبب عدم تمایل به داشتن بیش از یک فرزند خواهد شد؛ زیرا خانواده‌هایی که درگیر استفاده‌ی افراطی از وسایل تزئینی شده‌اند؛ توقع دارند بالاترین و بهترین امکانات برای فرزندشان فراهم باشد و همواره ترس از اختلال آسایش و رفاه مادی و تجملاتی در صورت فرزندآوری، با آنان همراه است. همین امر، موجب رواج الگوی تک‌فرزندی در جامعه و در نتیجه کاهش جمعیت گشته است. در بُعد سوم، تجمل‌گرایی با بالا بردن سطح توقعات زوجین، منجر به افزایش اختلافات خانوادگی و در نهایت طلاق شده است. طبق نظر کارشناسان، اغلب این بحران‌ها در سه ساله‌ی

اول زندگی مشترک بروز یافته و سبب انحلال کانون خانواده پیش از ورود فرزندان و اختلال جدی در رشد جمعیت گردیده است (همان، ص ۵).

۲.۳. تأثیر لذت‌گرایی بر کاهش فرزندآوری

در نگاه غرب به انسان، هدف از زندگی، کسب لذات مادی است و بشر باید بتواند از زندگی مادی و دنیوی خود بیشترین لذت را ببرد. مطلوب نهایی انسان در این نگاه، زندگی اقتصادی و در سایه آن، کسب رفاه و سود بیشتر است؛ بنابراین اقتصاد، دانش پایه شده و تنظیمات عرصه‌های دیگر از جمله خانواده باید بر مبنای اهداف اقتصادی صورت گیرد. در نتیجه، مفهوم و معنای تشکیل خانواده حول این محور شکل گرفته و زن و مرد مانند دو شریک کاری، برای افزایش منافع مادی خود کار خواهند کرد و ممکن است در جایی نیز به این نتیجه برسند که به صرفه نیست باهم باشند و یا صاحب فرزند شوند! حتی مباحث کنترل جمعیت نیز در همین فضا مطرح شده و زیرمجموعه اقتصاد قرار گرفته است (رفیعی، ۱۳۹۱، ص ۷). لذت‌گرایی یا اصالت لذت، یعنی غایت انسان در اعمال و کردارش، لذت بردن محض است؛ و از آن‌جا که سعادت واقعی فرد به معنای برخورداری هرچه بیشتر او از لذت قلمداد شده، پس باید به هر شکل و طریقی، از مدت‌زمان عمر خود برای لذت بردن استفاده نماید (مور، ۱۳۸۵، ص ۲۰۵). در مکتب لذت‌گرایی، عنوان شده که لذت‌بردن فاعل عمل، ارزش ذاتی خواهد داشت و چون انسان طبیعتاً طالب لذت و از رنج و درد گریزان است، پس مطلوب و هدف هر فرد، خوشی و لذت خویش بوده و رنج و ناراحتی خود را نخواهد خواست. بر این پایه، ارزش ذاتی و منشأ مطلوبیت، لذت خود فرد محسوب شده و در نتیجه، کاری که برای فاعل لذت‌بخش باشد، ارزش مثبت داشته و باید صورت گیرد و کاری که برای فاعل آن رنج‌آور است، ارزش منفی داشته و نباید انجام گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۲). رفاه نیز به بهره‌مندی و التذاذ فرد، از آن سنخ امکانات تعریف شده که آلام جسمی و روانی و اضطراب و بیم‌ها را به حداقل رسانده و رسیدن انسان به اهداف زندگی در حوزه‌هایی نظیر بهداشت و سلامت، خدمات اجتماعی، اشتغال، آموزش، برنامه‌های تفریحی، ازدواج موفق، روابط صمیمی با بستگان، و... را میسر ساخته است (حمیدیه، ۱۳۹۱، ص ۲۰۳). باید توجه داشت که در گذشته، انگیزه افراد برای ازدواج، مصالح خانوادگی بود؛ اما در جهان مدرن با فردی شدن تمایلات، لذت‌های فردی در اولویت است. در این شرایط، فرزندآوری چندان توجیه عقلانی نداشته و مانعی بر سر راه لذت و رفاه فردی قلمداد خواهد شد. در حاکمیت اصل

لذت‌گرایی و رفاه فردی، باور انسان مدرن به گونه‌ای شکل خواهد گرفت که خانواده، يك قلمرو شخصی است که در آن نزدیکی و صمیمیت عاطفی و جنسی همسران و در نتیجه لذت، رفاه و آسایش آن‌ها، بر هرچیز دیگری اولویت دارد. در نتیجه، روشن است که با غلبه و توسعه‌ی این اصل، افراد کمتری زیر بار ازدواج رفته و در صورت تشکیل خانواده نیز از داشتن فرزند سر باز خواهند زد؛ زیرا با تولد فرزند، از برخی لذت‌ها و جنبه‌های رفاهی افراد کاسته خواهد شد (چراغی، ۱۴۰۰، ص ۹).

۲.۴. تأثیر تضعیف باورهای دینی بر کاهش فرزندآوری

دین، در شکل‌گیری نظام معنایی خانواده نقش مهمی دارد، اما در سبک زندگی غربی روند تضعیف باورهای دینی در این نظام معنایی، شدت گرفته و باید علت آن را در تعدد منابع معنادهنده به ارزش‌ها یافت. به عبارت دیگر، تعدد الگوهای هویت‌ساز، سبب ظهور نظام‌ها و هنجارهای اخلاقی متعدد در خانواده شده است. اگرچه هم‌چنان می‌توان حضور ارزش‌های دینی را در بُن‌مایه‌های زندگی خانواده‌های ایرانی مشاهده نمود و دین‌زدایی از جامعه و خانواده مشابه فرهنگ غربی، هنوز در کشورمان روی نداده، اما در مواردی از الگوهای زندگی مدرن متأثر گردیده و رگه‌هایی از عرفی‌شدن در بخشی از تعاملات خانواده‌ها دیده می‌شود که همین امر، زمینه‌ی کاهش باروری را فراهم آورده است. در فرآیند عرفی‌شدن، اندیشه، اعمال و نهاد‌های دینی، نقش و اهمیت اجتماعی خود را از دست داده و مظاهر دینی در اجتماع حذف گردیده و یا کاهش یافته و بدون حضور دین، باید به تدبیر امور پرداخت (بیات، ۱۳۸۱، ص ۳۲۹). در تبیین رابطه بین عرفی‌شدن و ضعف باورهای دینی با کاهش باروری می‌توان گفت، از يك سو، گسترش حوزه رفتارهای عرفی مانند شکسته‌شدن حریم‌های بین محرم و نامحرم و شکل‌گیری روابط آزاد، انگیزه جوانان را برای ازدواج کاهش داده و یا دست‌کم به تأخیر انداخته و زمینه‌ساز کاهش باروری گردیده؛ و از سوی دیگر، عرفی‌شدن، موجب ضعف باورهایی شده که در جامعه سنتی، یکی از کارکردهای آن، افزایش باروری بوده است. برای نمونه، می‌توان به اعتقاد به رزاقیت خداوند در خصوص ازدواج و نیز فرزندآوری اشاره نمود که همین باورها، موجب شده بود، افراد راحت‌تر ازدواج کرده و با آرامش قلبی بیشتری دست به فرزندآوری بزنند. اما با تضعیف شدن باورهای دینی، ازدواج، به‌گرددنه‌ای کمرشکن و فرزندآوری، به فرآیندی هزینه‌ساز تبدیل شده است؛ و چنین اندیشه‌هایی، توانسته کاهش باروری در خانواده‌ها را رقم بزند (چراغی، ۱۴۰۰، ص ۹). هم‌چنین نفوذ سکولاریسم غربی

و تفکرات الحادی آن که منجر به کاهش دلدادگی به شناخت دین و سستی در اجرای دستورات دینی شده، برای رسیدن به منافع خود، تلاش کرده تا خانواده از هر ارزشی که دنیای مادی انسان‌ها را بی‌اعتبار جلوه داده، دست بکشد. در این تفکر، بر انسان سکولار لازم است برای تحقق آرمان لذت بیشتر در خانواده، به دنبال استقلال‌بخشی به عقل محض و محوریت آن در تمام تصمیم‌گیری‌ها باشد تا دین و اخلاق مبتنی بر دین، تضعیف و در نهایت ویران گردد. این روند را سکولار کردن خانواده نامیده‌اند (عنوانی، ۱۳۹۲، ص ۴). سکولاریسم با تشویق تجرد زیستی و ارضای جنسی بدون ازدواج و مشکل جلوه دادن تشکیل خانواده، بر باروری تأثیرگذار بوده است. با گسترش رویکرد سکولار به زندگی، نوعی از روابط آزاد و وسیع جنسی میان زن و مرد پدید آمده که متناسب با فرزندآوری نیست؛ روابطی که از آن‌ها با عناوینی مانند هم‌خانگی یا زندگی مشترک بدون ازدواج و همجنس‌گرایی یاد شده است. طلاق و انحلال کانون زندگی نیز از دیگر پیامدهای رویکرد سکولار به خانواده محسوب و موجب کاهش باروری گشته است. بنابراین، از زمان فراگیری جهان‌بینی سکولاریسم، برای معتقدان آن، دلیلی برای پذیرش محدودیت‌های ازدواج و تن‌دادن به مسئولیت‌های پدر و یا مادر شدن باقی‌نمانده است؛ زیرا در این نگاه، خانواده و فرزندآوری، مانعی جدی فراروی ارضای لذت‌های افراد محسوب می‌شود (ویتز، ۱۳۸۳، ص ۹).

۲.۵. تأثیر ترویج دیدگاه فمینیسم و تحقیر وظیفه‌ی مادری بر کاهش فرزندآوری

غرب با ترویج دیدگاه فمینیسم، تلاش کرده است زنان را متقاعد نماید که زایمان، زیبایی و سلامتی زن را به خطر می‌اندازد؛ و فرزندآوری، با آزادی و استقلال و تحقق هویت‌شان در تضاد است (حسینی طهرانی، ۱۴۲۵، ص ۸۸). در نهایت، با طرح عنوانی به نام «رشد زن» سعی در تغییر موقعیت زن داشته تا از ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی که ریشه‌ی مذهبی دارد، جدا گردد (همان، ص ۹۲). فمینیسم هم‌چنین با تحقیر وظیفه‌ی مادری و خانه‌داری زنان، شعار آزادی زن از قید و بند مادری و خانه‌داری سر داده است. در این تفکر، زن خانه‌دار، فردی عقب‌افتاده تلقی می‌گردد؛ لذا زنان به ناچار نقش‌های مادری و همسری خود را قربانی نقش‌های اجتماعی‌اش می‌کنند (رضایی و مهدوی‌نیا، ۱۴۰۰، ص ۱۵).

در نظر بسیاری از فمینیست‌ها، تولیدمثل و وظایف مادری، باری بر دوش زنان و بخشی از سرکوبی آنان محسوب شده که باید از سر راه برداشته شود. این گروه، فن‌آوری‌های جدید را که فشار تولیدمثل بر زنان را کاهش داده، کلید آزادی زنان دانسته‌اند؛ اما در مقابل، گروهی دیگر بر این

باورند که فرزندآوری و مادری یکی از بزرگ‌ترین لذت‌های زن بودن است و فقط باید آن را از کنترل جنس مذکر رهانید تا به یکی از مثبت‌ترین احساسات زنانه مبدل گردد (چراغی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۸ و ۱۲۹). در نظر گروه اول، تقسیم‌بندی زیست‌شناختی که وظیفه باروری و فرزندآوری را به زنان سپرده، باعث سرکوب آنان نیز شده است، زیرا تولیدمثل سرمنشأ سلطه‌ی مردان بر زنان قلمداد شده و تنها راه آزادی حقیقی زنان نیز رهانیدن آنان از بار فرزندآوری با استفاده از فن‌آوری‌های جدید است (فریدمن، ۱۳۸۱، ص ۱۱۰)؛ اما در نظر گروه دوم، زنان به جای گرفتن موضعی انفعالی در برابر بارداری و زایمان که باعث شده این تجربه برای آنان بیگانه‌ساز باشد، باید با آن فعالانه برخورد کرده و شادی‌های بارداری را احیا کنند (بستان، ۱۳۸۵، ص ۸۵). آن‌ها با وجود اعتقاد به نیاز زنان به خانواده، همسر و فرزند، تشابه حقوق زن و مرد را نیز لازم دانسته و ترویج داده‌اند (کهریزی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۴). نتیجه این‌که در نگاه فمینیستی، وجود کودکان، آزادی مادران را مقید ساخته و برای شادمانه زیستن و ایجاد فرصت‌های شغلی برابر، باید «فرهنگ کنترل مولید و زندگی بدون فرزند» ترویج گردد. با این نگاه، خانواده و پیوندهای خانوادگی محکوم دیدگاه‌های فردگرایانه شده و هیچ ارزشی نخواهد توانست تمایلات فردی در مورد عدم انگیزه فرزندآوری و تولیدمثل را مقید سازد (همان، ص ۵). فمینیست‌های افراطی هم‌چنین به بهانه حفظ استقلال فردی زن و رهانیدن او از زیر بار مسئولیت پرورش فرزندان، سقط جنین را پیشنهاد داده‌اند تا زن هر موقع که بخواهد، بتواند جنین را از بین برده و خود را از تقیدات بعدی فرزندداری رها سازد (اچ یورک، ۱۳۸۷، ص ۴۵۷). به باور آنان، ممنوعیت و محدودیت سقط جنین، از یک‌سو با آزادی زنان در کنترل بدن خود منافات داشته و از سوی دیگر، با تحمیل وظیفه‌ی مادری، سبب‌ساز استمرار ستم بر زنان و وابستگی آنان به مردان گشته است (چراغی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۶). به موازات گسترش اندیشه‌های فمینیستی و تحقیر وظیفه‌ی مادری، گرایش به فرزندآوری کمتر شده و تعداد خانواده‌های بدون فرزند، افزایش یافته است (کهریزی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱).

۲.۶. تأثیر اشتغال افراطی زنان بر کاهش فرزندآوری

رویکرد غرب به کار و اشتغال، مبتنی بر سوددهی بیشتر است و انسان غربی تا زمانی مورد احترام است که باعث سود و خدمت بیشتر به جامعه‌ی سرمایه‌داری باشد؛ وگرنه باید از گردونه‌ی اجتماعی خارج گردد و زنان نیز از این دیدگاه مستثنی نیستند (همان، ص ۱۶). لذا حضور و مشارکت برابر زنان در محیط‌های کار بیرون از خانه و قرار گرفتن در کنار همکاران مرد، به وقوع

پیوست. حال آن‌که با توجه به عدم برابری قدرت جسمانی، فرصت‌های شغلی برابر برای زنان، افزایش خستگی بیش از حد و کاهش آستانه‌ی تحمل روانی ناشی از کار را برای آنان به ارمغان آورد. در نتیجه، فعالیت زنان در محیط خانه و در زمینه‌ی ارتباطات زناشویی، کلامی و... کمتر شده و مخاطرات فراوانی نیز در روابط خانوادگی آنان ایجاد گشت (بستان، ۱۳۸۳، ص ۳۵). نظام سرمایه‌داری برای رسیدن به سرمایه‌ی بیشتر و نیروی کار ارزان‌قیمت، از موقعیت نامناسب زنان در کشورهای غربی سوءاستفاده کرده و با ایجاد اشتباهی کاذب، با شعار مالکیت زن و دستیابی وی به قدرت و رها شدن از سیطره نظام مردسالاری، او را از خانه خارج نموده و به استخدام ادارات، کارخانه‌ها و شرکت‌ها درآورده است. دولت‌ها نیز به وضع قوانین در راستای اهداف سرمایه‌داری همت گماردند که نتیجه آن، اشتغال اجباری زن در خارج از منزل بوده است (گاردنر، ۱۳۸۶، ص ۶۳). در نتیجه، با توسعه فعالیت‌های اقتصادی زنان در خارج از خانواده، دو پدیده‌ی مهم به‌طور هم‌زمان شکل گرفته است؛ در درجه اول، از اهمیت خانواده به‌عنوان مهم‌ترین هسته‌ی پایدار خانواده کاسته شده و پایه‌ی ازدواج و تشکیل خانواده لرزان گشته است؛ و در درجه دوم، به جهت ناهمخوانی بین وظایف اقتصادی و خانوادگی زنان، مخصوصاً در شرایطی که سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی نتوانسته‌اند آن قسمت از وظایف سنتی زنان در خانواده را که در شرایط اقتصادی نوین به این سازمان‌ها واگذار شده، به خوبی انجام دهند، کاهش فرزندآوری به‌عنوان راه‌حلی مناسب برای کاهش تضاد موجود بین نقش اقتصادی و خانوادگی زنان صورت گرفته است (زنجانی، ۱۳۷۱، ص ۲۰). در فرهنگ غربی، مشارکت زنان در فعالیت‌های جامعه باعث شده تا آنان سهم آشکار خود را در به حرکت درآوردن چرخ‌های اجتماعی و اقتصادی دیده و با ایجاد نوعی احساس خودباوری و اعتماد به نفس، حس وابستگی و نیاز به دیگران در آنان از بین رفته باشد. مهم‌ترین تأثیر اشتغال زنان در موضوع تولیدمثل مطرح شده و پژوهش‌ها حاکی از آن است که با اشتغال زنان، علی‌رغم افزایش متوسط درآمد خانواده و بهبود سطح زندگی آنان، میزان باروری روند نزولی داشته است (شیخی، ۱۳۷۲، ص ۱۷۱). به عبارت دیگر، موضوع افزایش ورود زنان به بازار کار و پیدایش اشتغال، به منزله‌ی جایگزین جدی نقش سنتی آنان به عنوان مادر و خانه‌دار، نقش مهمی در کاهش باروری در جامعه ایفا کرده است (فطرس و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۴). لذا یکی از مهم‌ترین مشغله‌های ذهنی سیاست‌گذاران اقتصادی و جمعیتی این است که از یک‌سو به مشارکت زنان در فرآیند توسعه‌ی اقتصادی نیاز مبرم وجود داشته و از سوی دیگر، روانه ساختن زنان به سمت بازارهای کار در مقابل کسب دستمزد، به اهداف جمعیتی لطمه وارد نموده و ترکیب

جمعیت‌شناختی جامعه را از توازن خارج ساخته است. این دغدغه از آن‌جا منشأ گرفته که تجربه‌ی کشورهای غربی، تصویری از تباین آشکار میان اشتغال زنان و نرخ باروری را نشان داده است. بنابراین، پیشبرد همزمان هر دو هدف، یعنی به کار گرفتن زنان در عرصه‌ی اقتصاد و افزایش فرزندآوری برای جلوگیری از کاهش رشد جمعیت، ممکن نخواهد بود، مگر با اتخاذ رویه‌هایی که فرزندآوری را در کنار فعالیت شغلی تسهیل نماید (مهربانی، ۱۳۹۴، ص ۲۰). از جمله رویه‌های تسهیل‌کننده در این راستا، می‌توان به «تجهیز و گسترش اماکن نگهداری و تربیت کودکان»، «هدایت زنان به سمت مشاغلی که کمتر با زندگی خانوادگی تغایر دارد» و «اعطای مرخصی‌های طولانی‌مدت پس از زایمان که حداقل بخش قابل توجهی از آن همراه با دستمزد و حقوق باشد»، اشاره نمود (همان، ص ۲۱).

۳. نتیجه‌گیری

از رهگذر تحلیل و بررسی موضوع «نقش سبک زندگی غربی بر کاهش فرزندآوری در جامعه» که با هدف استخراج مهم‌ترین شاخصه‌های مؤثر این سبک زندگی در کاهش تولیدمثل، انجام شد؛ مشخص گردید، سبک زندگی غربی مبتنی بر پایه اومانیسیم و انسان‌محوری، با فردگرایی و نفع‌گرایی، لذت‌گرایی و رفاه فردی، مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی، سکولاریسم و تضعیف باورهای دینی، اشتغال زنان، ترویج دیدگاه فمینیسم و تحقیر وظیفه‌ی مادری که از مهم‌ترین شاخصه‌های این نوع از سبک زندگی قلمداد شده‌اند، تأثیر مستقیمی بر کاهش فرزندآوری داشته است. لذا با شناخت و مدیریت آسیب‌های ناشی از نفوذ فرهنگ غربی در جامعه، می‌توان از روند نزولی جمعیت کشور جلوگیری نمود. از مقایسه نتایج مقاله حاضر با مطالعات مرتبط پیشین نیز مشخص شد، فردگرایی، تجمل‌گرایی و سکولاریسم که از شاخصه‌هایی غربی مؤثر بر فرزندآوری در این پژوهش بوده‌اند، در مقالات مشابه قبلی مورد ارزیابی قرار نگرفته‌اند. هم‌چنین از آن‌جا که بررسی‌ها حاکی از شدت یافتن روند نزولی جمعیت در سال‌های اخیر بوده است و این کاهش تمایل خانواده‌ها به فرزندآوری، می‌تواند متأثر از عوامل مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، روان‌شناختی، اجتماعی و... باشد، پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی، تأثیرگذاری دیگر عوامل در کاهش فرزندآوری نیز مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

۱. اچ یورک، رابرت؛ در سراسیبه به سوی گومرا؛ هاشمی حائری، الهه؛ تهران: حکمت، ۱۳۷۸ ه.ش.
۲. اسکندرلو، محمدجواد؛ «سبک زندگی اسلامی و غربی (مبانی و رویکردها)»؛ دوفصلنامه قرآن و علم، سال ۱۴، شماره ۲۷، ۱۳۹۹ ه.ش.
۳. افرا، هادی؛ ایار، علی؛ الیاسی، مجید؛ دانش، یونس؛ «اهمیت فرزندآوری در جامعه فردگرا»؛ پژوهش نامه زنان، سال ۱۳، شماره ۲، ۱۴۰۱ ه.ش.
۴. اکبری، عصمت؛ سبک زندگی و تمایلات فرزندآوری؛ اصفهان: آشیانه برتر، ۱۳۹۵ ه.ش.
۵. باومن، زیگمونت؛ عشق سیال؛ ثابتی، عرفان؛ تهران: ققنوس، ۱۳۸۴ ه.ش.
۶. بستان، حسین؛ اسلام و جامعه‌شناسی خانواده؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵ ه.ش.
۷. بیات، عبدالرسول؛ درآمدی بر مکاتب و اندیشه‌های معاصر؛ چاپ دوم، قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی، ۱۳۸۱ ه.ش.
۸. پارسا، داوود؛ «تأثیر سبک زندگی غربی بر جامعه ایران»؛ پژوهش‌های معنوی، شماره ۲۹، ۱۳۹۲ ه.ش.
۹. پارک، جان اورت؛ درسنامه طب پیشگیری و پزشکی اجتماعی؛ وفائی، خسرو، تهران: ایلیا، ۱۳۸۲ ه.ش.
۱۰. پروینیان، فریبا؛ رستمعلی‌زاده، ولی‌الله؛ حبیبی، رضا؛ «تأثیر سبک زندگی امروزی زنان بر میزان فرزندآوری»؛ فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، سال ۹، شماره ۴، ۱۳۹۷ ه.ش.
۱۱. جوکار، محبوبه؛ «مدرنیته، تغییر سبک زندگی و کاهش جمعیت در ایران»؛ پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، سال ۲، شماره ۲، ۱۳۹۳ ه.ش.
۱۲. چیل، دیوید؛ خانواده‌ها در دنیای امروز؛ لیبی، محمدمهدی، تهران: افکار، ۱۳۸۸ ه.ش.
۱۳. چراغی کوتیانی، اسماعیل؛ خانواده، اسلام و فمینیسم؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، ۱۳۸۹ ه.ش.

۱۴. _____؛ «تغییرات سبک ارزشی خانواده و نقش آن‌ها در کاهش باروری در خانواده ایرانی»؛ مجله معرفت فرهنگی و اجتماعی، شماره ۴۶، ۱۴۰۰ ه.ش
۱۵. حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین؛ کاهش جمعیت ضربه‌ای سمه‌گین بر پیکر مسلمین؛ مشهد: مؤسسه ترجمه و نشر دوره‌ی علوم و معارف اسلام، چاپ دوم، ۱۴۲۵ ه.ق.
۱۶. حمیدیه، بهزاد؛ معنویت در سبد مصرف؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱ ه.ش.
۱۷. حیدری، کیانوش؛ «تجمل‌گرایی و تغییرات جمعیتی»؛ پیام زن، شماره ۲۵۶، ۱۳۹۲ ه.ش.
۱۸. خامنه‌ای، سیدعلی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۲۶۳۱۹>
۱۹. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۶۰۴۵>
۲۰. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۳۱۵۳>
۲۱. دلداری، فیروزه؛ «جامعه ایرانی و چالش سبک زندگی غربی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای»؛ دوفصلنامه علمی-تخصصی پژوهش‌نامه تبلیغ اسلامی، سال ۲، شماره ۶، ۱۴۰۰ ه.ش.
۲۲. دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه؛ تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ه.ش.
۲۳. رفیعی، عطاءالله؛ «مقایسه سبک زندگی اسلامی و غربی از منظر انسان‌شناسی»؛ نشریه خراسان، شماره ۲۹، ۱۳۹۱ ه.ش.
۲۴. رستمی، محمدعلی؛ سبک زندگی (مقایسه مؤلفه‌های زندگی بشر در دوران غیبت و عصر حضور)؛ قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف)، ۱۳۹۷ ه.ش.
۲۵. زنجانی، حبیب‌الله؛ جمعیت و توسعه؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۱ ه.ش.

۲۶. سرایی، حسن؛ «گذار جمعیتی دوم با نیم‌نگاهی به ایران»؛ فصلنامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۱۰، ۱۳۸۷.ه.ش.
۲۷. سیدمیرزایی، محمد؛ «انتقال جمعیتی، علل و نتایج اقتصادی و اجتماعی آن»؛ پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۲، ۱۳۷۷.ه.ش.
۲۸. شرف‌الدین؛ حسین؛ «مصرف‌گرایی در سبک زندگی مدرن و دینی»؛ دوفصلنامه علمی-تخصصی پژوهش‌نامه سبک زندگی مدرن، سال ۱، شماره ۱، ۱۳۹۴.ه.ش.
۲۹. شیخی، محمدتقی؛ جامعه‌شناسی جمعیت؛ تهران: سفیر، ۱۳۷۲.ه.ش.
۳۰. صادقی، رضا؛ «تجمل‌گرایی در خانواده اسلامی و اثرات آن»؛ پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه: <https://hawzah.net/>، ۱۳۹۶.ه.ش.
۳۱. صالحان، حسنیه؛ «نقش سبک زندگی غربی در کاهش فرزندآوری»؛ فصلنامه علمی-تخصصی تبلیغ و خانواده، سال ۱، شماره ۱، ۱۴۰۱.ه.ش.
۳۲. عنوانی، حامد؛ «سکولاریزاسیون خانواده و تأثیر آن در کاهش جمعیت»؛ مجله معرفت، شماره ۱۸۹، ۱۳۹۲.ه.ش.
۳۳. عیوضی، غلامحسین؛ «سبک زندگی تلویزیونی و مصرف»؛ زنان و خانواده، شماره ۱۶، ۱۳۸۸.ه.ش.
۳۴. فریدمن، جین؛ فمینیسم؛ مهاجر، فیروزه؛ تهران: آشیان، ۱۳۸۶.ه.ش.
۳۵. فصیحی‌زاده، طاهره؛ برحی‌نژاد، زینب؛ «آثار تجمل‌گرایی در خانواده اسلامی»؛ پژوهش‌های اسلامی جنسیت و خانواده، سال ۴، شماره ۶، ۱۴۰۰.ه.ش.
۳۶. فطرس، محمدحسین؛ نجمی، مریم؛ معمارزاده، عباس؛ «تحلیل ارتباط میان نرخ اشتغال زنان و میزان باروری»؛ زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۵، شماره ۳، ۱۳۹۶.ه.ش.
۳۷. کاویانی، محمد؛ سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.ه.ش.
۳۸. کلانتری، محمد؛ عباس‌زاده، محمد؛ امین مظفری، فاروق؛ راکعی بناب، ندا؛ «بررسی جامعه‌شناختی گرایش به فرزندآوری و برخی عوامل مرتبط با آن»؛ جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۱، شماره ۱، ۱۳۸۹.ه.ش.

۳۹. کهریزی، مهوش؛ حسینی‌زاده، علی؛ بستان، حسین؛ «چالش‌های اخلاقی فمینیسم در فرزندآوری از دیدگاه اسلام و راهکارهای آن»؛ فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌نامه اخلاق، سال ۷، شماره ۲۴، ۱۳۹۳.ه.ش.
۴۰. گارنر، ویلیام؛ جنگ علیه خانواده؛ محمدی، معصومه؛ قم: دفتر مطالعات و تحقیق زنان، ۱۳۸۶.ه.ش.
۴۱. محمودی، اکبر؛ «بررسی جایگاه علم در سبک زندگی قرآنی»؛ دوفصلنامه قرآن و علم، شماره ۱۹، ۱۳۹۵.ه.ش.
۴۲. مصباح یزدی، مجتبی؛ فلسفه اخلاق؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، ۱۳۷۸.ه.ش.
۴۳. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی معین؛ تهران: انتشارات آدنا، چاپ ۴، ۱۳۸۱.ه.ش.
۴۴. منگالی، زهرا؛ «بررسی تطبیقی سبک زندگی غربی و اسلامی»؛ پژوهش‌های معنوی، شماره ۲۹، ۱۳۹۶.ه.ش.
۴۵. مهدوی‌نیا، نرگس؛ رضایی، مانده؛ «تأثیر اشتغال زنان بر کاهش جمعیت در سبک زندگی غربی و راه‌های برون‌رفت از آن»؛ دوفصلنامه علمی-اختصاصی میراث طاها، شماره ۹، ۱۴۰۰.ه.ش.
۴۶. مهربانی، وحید؛ «اشتغال زنان و روند باروری و رشد جمعیت در ایران»؛ فصلنامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال ۱۰، شماره ۲۰، ۱۳۹۴.ه.ش.
۴۷. مور، جرج ادوارد؛ مبانی اخلاق؛ توکلی، غلامحسین، عسگری یزدی، علی؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.ه.ش.
۴۸. ویتز، پل؛ «پاسخ دین و دولت در قبال بحران خانواده»؛ عنوانی، حامد؛ نشریه سیاحت غرب، شماره ۹، ۱۳۸۳.ه.ش.

The role of the western family lifestyle in reducing the number of children in the Iranian society

Somayeh Sayadi
Elahe Farahani
Leyla Hanifi
Rahimeh Esmacili

Abstract

Population, as one of the most important elements of national power and capital, has a significant impact on the progress and development of economic, cultural and... countries. The results of statistical surveys indicate the downward trend of the population growth rate in our country and the influence of various economic, cultural, political, social, etc. factors on the decrease in the desire of Iranian families to have children. On the other hand, in recent years, people's access to all kinds of communication tools such as satellite and virtual space has caused the influence of Western culture in different layers of their personal and social life. Therefore, the current research will try to answer the main question, "Can the western lifestyle be considered as one of the factors influencing the reduction of childbearing?" This research has evaluated the role of western lifestyle in reducing the tendency of Iranian society to have children by using descriptive method and using library resources. The results of the research showed that individualism and utilitarianism, hedonism and personal well-being, consumerism and luxury, secularism and weakening of religious beliefs, women's employment, promotion of feminism and denigration of mother's duty, which are considered to be the most important indicators of the western lifestyle, have a direct effect on reducing the desire to have children and by recognizing and managing the damage caused by this lifestyle, the downward trend of the country's population can be prevented. Key words: childbearing, population decline, western lifestyle, feminism.